

نقش احزاب سیاسی و تشکل‌های مدنی در مشارکت سیاسی استان کردستان پس از انقلاب اسلامی

افشین کرمی^{۱*}، مجید نجاتپور^۲

۱- استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید چمران اهواز

A.karami@scu.ac.ir

۲- پژوهشگر و مدرس دانشگاه جامع امام حسین (ع)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۲۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۲۸

چکیده

از جمله مسائل مهم در زمینه تدوین تجارب تاریخی جمهوری اسلامی ایران، نقش احزاب و تشکل‌های مدنی در مشارکت سیاسی است که تلاش می‌شود تا در پژوهش حاضر به آن پرداخته شود. پژوهش حاضر با واکاوی پیشینه تعامل دولت و اقوام و روند پژوهی این تعامل در جمهوری اسلامی به دنبال این مسأله است که با توجه به سیاستگذاری قومی دولت‌های پس از انقلاب اسلامی در استان کردستان، مشارکت سیاسی قوم کرد چه روندی را پیموده است؟ و احزاب و تشکل‌های مدنی در وضعیت مشارکت سیاسی استان کردستان چه نقشی ایفا کرده‌اند؟ به نظر می‌رسد سیاست قومی جمهوری اسلامی با اتخاذ رویکرد وحدت در عین کثرت و رویکرد فرصت‌محور به قومیت‌ها از طریق ایجاد سازوکار انتخابات، احزاب سیاسی، انجمن‌ها و تشکل‌های مدنی، ضمن فراهم نمودن زمینه مشارکت سیاسی قوم کرد در ساختار نظام اسلامی، زمینه حکمفرما شدن آنها بر سرنوشت‌شان را فراهم ساخته باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که احزاب سیاسی و تشکل‌های مدنی موافق مشارکت سیاسی در کردستان نقش فعالی در ادوار مختلف انتخابات ریاست‌جمهوری داشته‌اند. احزاب سیاسی فعال ظرفیت خود را در دو بخش بسیج سیاسی و مشارکت سیاسی به کار گرفتند. آنها با استفاده از ارزش‌ها و نمادهای قومی در دوره‌های متوالی به بسیج سیاسی پرداختند. در تمامی این دوران‌ها، خواسته‌های قومی مانند زبان مادری، فرهنگ و آداب و رسوم محلی و به کارگیری امور اجرایی و اداری استان به دست افراد بومی منطقه تنها تکیه‌گاهی بوده است که در داخل و خارج از نظام با استفاده از آنها سعی در جلب توجه مردم کردستان داشته‌اند.

واژگان کلیدی: احزاب، تشکل‌های مدنی، مشارکت، دولت، سیاست

۱. مقدمه و بیان مسأله

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، تحول اساسی در روند مردم‌سالاری رخ می‌دهد. طی فضا و شرایط مناسبی به وجود آمد تا اقوام، گروه‌ها، احزاب و جریان‌های سیاسی بتوانند در چارچوب قانون اساسی، خواسته‌ها و مطالبات‌شان را دنبال کنند. هرچند طی سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی با توجه به فروپاشی نهادها و ساختار سیاسی رژیم شاهنشاهی و عدم استقرار نظام جدید، شاهد خلأ جدی در تدوین و اجرای سیاست‌های قومی هستیم که به‌طور مسلم شرایط بحرانی مناطق قومی و فعالیت‌های گروه‌های تجزیه‌طلب نقش بسیار مهمی در دستیابی به این مهم داشت. بررسی اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی، قانون اساسی و برنامه‌های توسعه اهمیت مسأله قومیت‌ها را در جمهوری اسلامی نشانی می‌دهد. نوع نگاه جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مشارکت سیاسی همه اقوام در تعیین حق سرنوشت و تدبیر و تصمیم‌گیری در امور اجرایی محلی، استانی و ملی است. تأکید رهبران انقلاب اسلامی بر لزوم حفظ وحدت همه مردم اعم از شیعه و سنی، همه اقوام ایرانی و پرهیز از ایجاد تفرقه و طرح مسائل اختلاف برانگیز در لوای خواسته‌های واگرایانه با پوشش مذهب و قومیت است. اتخاذ راهبرد وحدت مذاهب، مسئولیت عمومی همه اقوام ایرانی برای حفظ انقلاب اسلامی، تأکید بر مشارکت قومیت‌ها برای تأمین امنیت، فراهم‌شدن زمینه‌های مشارکت سیاسی، مدیریت بحران در مناطق قومی و نهادسازی و تعیین افراد مسئول از خطوط کلی دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی است. روح حاکم بر قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز در راستای راهبرد وحدت در عین تکثر فرهنگی است. در این راهبرد، ضمن تأکید بر اشتراکات فرهنگی همه ایرانیان و اقوام ایرانی، امکان تکثر خرده‌فرهنگ‌های مختلف و قومیت‌ها را در چارچوب مشترک مجاز و تنوع قومی و فرهنگ به رسمیت شناخته شده است و محتوا و شکل سیاست‌های قومی به نحوی طراحی شده که در تعارض با اصل انسجام اجتماعی و همبستگی ملی قرار نگیرد. در عین حال ضمن حفظ خرده فرهنگ‌ها و تفاوت‌های قومی، شرایط و قواعد لازم برای حفظ و برابری گروه‌های قومی پیش‌بینی و حقوق آنان تأمین گردیده است. بنابراین در کنار راهبرد وحدت در کثرت، سیاست همگرایی قومی نیز اتخاذ شده است. از جمله مسائل مهم در زمینه تدوین تجارب تاریخی جمهوری اسلامی ایران، نقش احزاب و تشکلهای مدنی در مشارکت سیاسی است که تلاش می‌شود تا در پژوهش حاضر به آن پرداخته شود. از جمله پرسش‌هایی که پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن می‌باشد آن است که احزاب و تشکلهای مدنی چه نقشی در مشارکت سیاسی استان کردستان داشته‌اند. پژوهش حاضر با واکاوی پیشینه تعامل دولت و اقوام و روند پژوهی این تعامل در جمهوری اسلامی به دنبال این مسأله است که با توجه به سیاستگذاری قومی دولت‌های پس از انقلاب اسلامی در استان کردستان، مشارکت سیاسی قوم کرد چه روندی را پیموده است؟ و احزاب و تشکلهای مدنی در وضعیت مشارکت سیاسی استان کردستان چه نقشی ایفا کرده‌اند؟ به نظر می‌رسد سیاست قومی جمهوری اسلامی با اتخاذ رویکرد وحدت در عین کثرت و رویکرد فرصت‌محور به قومیت‌ها از طریق ایجاد سازوکار انتخابات، احزاب سیاسی، انجمن‌ها و تشکلهای مدنی، ضمن فراهم نمودن زمینه مشارکت سیاسی قوم کرد در ساختار نظام اسلامی، زمینه حکمفرما شدن آنها بر سرنوشت‌شان را فراهم ساخته باشد.

۲. مبانی نظری پژوهش

پیدایش حکومت و دولت نقطه عطف تاریخ بشر است. در حقیقت حکومت و دولت مهمترین اختراع و دستاورد جمعی بشر محسوب می‌شود (ویسی، ۱۴۰۴: ۳۴). مشارکت سیاسی عبارت است از شرکت در فراگردهای سیاسی که به گزینش نخبگان (رهبران) سیاسی منجر می‌شود و سیاست عمومی کشور را تعیین می‌کند و یا بر آن اثر می‌گذارد. با توجه به حضور فعال یا نیمه فعال افراد در احزاب، شرکت در تصمیم‌گیری‌ها، کمک‌های مالی به حزب مورد علاقه، رأی دادن و حضور در انتخابات، آگاهی از مسائل سیاسی و این قبیل رفتارهای سیاسی را می‌توان جلوه‌های مختلف مشارکت سیاسی محسوب کرد (رضی، ۱۳۸۰: ۱۹۶). دایره‌المعارف علوم اجتماعی، مشارکت سیاسی را چنین تعریف می‌کند: «مشارکت سیاسی، فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری عمومی است» (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۵۲۲). در تعریف دیگری «مشارکت سیاسی هر عمل داوطلبانه موفق و ناموفق، سازمان‌یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر، شامل روش‌های مشروع و نامشروع برای تأثیر بر انتخاب رهبران و سیاست‌ها و اداره عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است» (میلبرث و گوئل، ۱۳۸۶: ۴). برخی در تعریف مشارکت سیاسی، آن را جزء فعالیت‌های داوطلبانه‌ای می‌دانند که به وسیله آن، افراد یک جامعه در انتخاب حاکمان سهم شونند و مستقیماً در شکل‌گیری سیاست ملی نقش ایفا کنند (اکبری، ۱۳۸۵: ۵۳). از نظر برخی دیگر، مشارکت سیاسی عبارت است از: فعالیت شهروندان غیردولتی برای تأثیرگذاری بر تصمیمات حکومت. بر این اساس، فعالیت مقامات رسمی حکومتی و حزبی را نمی‌توان جزء مشارکت سیاسی دانست. در حقیقت، مشارکت سیاسی به اعمال و اقداماتی اطلاق شده است که هدف آنها پشتیبانی از حکومت و دستگاه‌های تصمیم‌گیرنده و یا طرح تقاضایی از این دستگاه‌ها و نخبگان حکومتی می‌باشد (میلبرث و گوئل، ۱۳۸۶: ۱۴).

سیاست قومی عبارت است از طراحی سازوکارها و اتخاذ تدابیر مناسب به منظور تنظیم روابط بین اقوام با دولت و تبیین حقوق و تکالیف متقابل هر یک از آنها و بیان روش‌های اجرایی نیل بدان‌ها به منظور حفظ وحدت و همبستگی ملی هم زمان با مراعات و اعطای حقوق اقوام و اقلیت‌ها. سیاست قومی فعال و جامع باید موضع خود را نسبت به حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی معین کند. همچنین موضوع سیاست قومی، تنظیم مناسبات اجتماع ملی و اجتماع قومی است. «سرنوشت دولت» و «ترکیب جمعیتی» هر کشور مهم‌ترین عنصر تعیین‌کننده سیاست‌های قومی در هر نظام سیاسی محسوب می‌شود (کریمی‌مله، ۱۳۸۷: ۲۳).

سیاست قومی اشاره به نوعی برنامه و الگوی مدیریت در قبال اقلیت‌های فرهنگی و قومی یک جامعه دارد با این هدف که بتوانند از تنش‌های درون قومی، بین قومی و همچنین بین دولت و اقوام بکاهند. البته سیاست‌های حکومت در برخورد با گروه‌های قومی و فرهنگی جامعه می‌تواند در تقویت یا تضعیف هویت‌های قومی تأثیرات متفاوتی باقی گذارد و از طرف دیگر نیز، میزان موفقیت نسبی دولت در اجرای سیاست‌های قومی بستگی به توانایی دولت و بالاخص به دو خصوصیت دولت، یعنی ایدئولوژی سیاسی دولت (میزان پایبندی به دموکراسی) و تعریف و تلقی خاص دولت از ملت دارد (Brown, 2005: 181).

سیاست‌های قومی در سطح جوامع متکثر قومی و فرهنگی برای ایجاد همبستگی ملی تابعی است از کم و کیف رابطه بین سه ضلع دولت، ملت و قوم که بسته به اینکه وزن کدامیک از آنها در این رابطه سنگین‌تر باشد نوع سیاست قومی

شکل گرفته نیز به آن سمت متمایل می‌گردد. بر اساس درجه ضعف و قوت دولت، به نظر می‌آید هر چه دولتی قوی‌تر باشد، رابطه‌ای مسالمت‌آمیزتر و توأم با تساهل و مدارای بالا با گروه‌های اقلیت فرهنگی و قومی خواهد داشت. به بیان دیگر هر قدر دولت‌ها قوی‌تر باشند احترام به فرهنگ‌های دیگر بیشتر است و دولت نیازی به نابودی فرهنگ‌های قومی نمی‌بیند (خوب‌روی پاک، ۱۳۸۰: ۲۰۱). اما در دولت‌های ضعیف، ترس و هراس از گروه‌های قومی زیادتر است و از این‌رو سیاست‌های متعاقب آن نیز بیشتر مشتمل بر سیاست‌های زورمدارانه و جبارانه است. از نقطه نظر تقسیم‌بندی دیگر، نوع رژیم‌ها یا نظام‌های سیاسی مشخص‌کننده سیاست‌های قومی است. منظور از رژیم سیاسی مجموعه قواعد و مقرراتی است که مبنای شیوه عمل حکومت‌ها قرار می‌گیرد. بر این اساس یک تقسیم‌بندی کلی از نوع نظام‌های سیاسی قابل شناسایی است، یکی رژیم‌های توتالیتار یا اقتدارگرا و دیگری رژیم‌های دموکراتیک (Brown, 2005: 20). بنابراین، فرض اصلی مستتر در این رابطه این است که هر چه دولت‌ها دموکرات‌تر باشند سیاست‌هایی که در قبال قومیت‌ها می‌گیرند آزادتر، بازتر و متکثرتر است و هر چه دولت‌ها غیردموکراتیک باشند سیاست‌های قومی آنها محدودتر و بسته‌تر خواهد بود.

۳. پیشینه پژوهش

تحقیقات و پژوهش‌هایی زیادی در زمینه منازعات قومی، شکاف‌های قومی و سیاستگذاری اقوام نوشته شده‌اند که در ادامه به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

خرمشاد و همکاران (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای با عنوان «شکاف‌های اجتماعی درون قومی و پیامدهای سیاسی آن در ایران؛ مطالعه موردی گُردها» معتقدند که که مجموعه‌ای از شکاف‌های ساخت اجتماعی سنتی و مدرن مانند شکاف‌های قبیله‌ای، مذهبی، زبانی، نسلی و جنسیتی در کنار برخی شکاف‌های سیاسی مانند منازعات ایدئولوژیک، رقابت نخبگان سیاسی و کشمکش‌های حزبی و درون حزبی در میان گُردها سبب شده است که هویت سیاسی گُردها یک هویت سیاسی متکثر باشد و هیچ جریان سیاسی در میان گُردها نتواند هژمونیک شود.

عبدالله‌نژاد و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل نقش شکاف‌های قومی در بحران‌های ژئوپلیتیکی ایران در بعد از انقلاب در راستای کارآمدی نظام در مناطق مرزی (مطالعه موردی: مرزهای غربی)»، معتقدند که نقش شکاف‌های قومی در بحران‌های ژئوپلیتیکی ایران در بعد از انقلاب به ویژه در مرزهای غربی بسیار پررنگ و تأثیرگذار بوده است. از دیدگاه آنها، شکاف‌های قومی جدای از بحران جدایی‌طلبی و استقلال می‌تواند بحران‌های ژئوپلیتیک دیگری از جمله بحران توسعه، بحران انزوای جغرافیایی و بحران مشارکت را به وجود آورد.

ایروانلو و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان «جهانی‌شدن و الزامات سیاست‌های قومی در جمهوری اسلامی ایران» بر این باورند که جهانی‌شدن با افزایش آگاهی‌های اقوام به حقوق قانونی خود در تمامی ابعاد آن، سطح مطالبه‌گری آنها را از حاکمیت به شدت بالا برده است، لذا اتخاذ سیاست‌ها و لحاظ الزامات و مقتضیات متناسب با تنوع قومیتی ایران، می‌تواند کشور را در قبال کشمکش‌ها و تنش‌های قومی ناشی از جهانی‌شدن، مصونیت بخشد.

سلیمانی قره‌گل (۱۳۹۹)، در کتاب جامعه، دولت و ایده شکاف قومی در ایران، به دنبال آن است تا ایده اجتماعی بودن «شکاف قومی در ایران» را واکاوی کند. وی در پی آن است که وجود یا نبود شکاف حول امر قومی در ایران و نیز سیاسی یا اجتماعی بودن این پدیده را فهم کند. از همین‌رو مترصد واکاوی انتقادی ایده «شکاف قومی» است. به باور

وی، چون امر قومی در ایران می‌تواند محمل یا محلی برای بروز و ظهور شکاف اجتماعی باشد که انسجام و تمامیت جامعه (ملت) را به مخاطره بیندازد، لذا جامعه را عموماً با نوعی هراس اخلاقی گسترده و عمیق برای حمایت از جامعه (دولت-ملت) و انسجام اجتماعی (سیاسی) روبرو می‌داند. از همین‌رو در پی آن است تا تحلیلی از این هراس بنیادین داشته باشد.

کریمی‌مله (۱۳۹۸)، در کتاب درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی تنوع قومی پس از بیان پیشینه و ادبیات موضوع در جهان و ایران، به توضیح مفهوم تنوع فرهنگی و زمینه‌های پیدایش آن و مسائل جامعه‌شناسی سیاسی ناشی از تنوع قومی، پرداخته است. در پایان کتاب نظریه بسیج منابع، تعامل‌گرایی نمادین و... که توانایی تبیین پویای قومی را دارند، مورد مطالعه قرار گرفته است.

قادرزاده و محمدزاده (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه پیمایشی هویت‌طلبی قومی و سیاسی شدن قومیت کردهای ایران» معتقدند که در چند دهه اخیر شناسه‌های هویتی در مناطق کردنشین برجسته شده و رنگ سیاسی به خود گرفته است. جغرافیای سیاسی منطقه نیز این مسئله را پیچیده و به تبع آن، مدیریت مسالمت‌آمیز منازعات اجتماعی را دشوار کرده است. به زعم آنها، نوع زندگی چندقومی جامعه ایران و تحولات جهانی بررسی تعلقات و ترجیحات هویتی به طور فزاینده‌ای اهمیت پیدا کرده است.

محمدزاده و خانی (۱۳۹۷)، در مقاله زمینه‌های تاریخی و اجتماعی مؤثر بر شکاف قومی در ایران معتقدند که شکاف قومی در فرایندی تاریخی در میان بعضی اقوام ایرانی فعال شده است. تشکیل دولت متجدد مرکزگرا، ملت‌سازی ناقص و ایجاد نابرابری قومی در ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و احساس تبعیض قومی نقشی برجسته در این فعال شدن داشته است. مدیریت توزیع عدالت و کاهش نابرابری در ابعاد مختلف شکاف قومی فعال را ترمیم و آن را به شکاف غیرفعال تبدیل خواهد کرد.

دریایی و محمدی (۱۳۹۵)، در مقاله «تأثیر نزاع‌های قومی بر سیاسی شدن اقوام در ایران» تلاش می‌کنند تا سیاسی شدن قومیت‌ها را در کشورهایی که دچار تنوع قومی هستند به ویژه در جامعه ایران مورد بررسی قرار دهند.

حق‌پناه (۱۳۹۴)، در مقاله «سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران؛ چگونگی، فرایند و عوامل مؤثر بر تدوین» با مفروض گرفتن پیوستگی‌های هویت اقوام ایرانی به پرسش از چگونگی فرایند سیاست‌گذاری قومی در ایران می‌پردازد. وی، فرایند تدوین سیاست قومی و عوامل مؤثر بر آن را طی چهار دوره و بین سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. وی معتقد است که به رغم دستاوردهای قابل توجه، سیاست‌گذاری در این عرصه عموماً تابع ادراک امنیتی از محیط داخلی و خارجی و فقدان نگرش راهبردی به سیاست‌گذاری در باب اقوام ایرانی در دو دهه نخست و ناهماهنگی در اجرای راهبردها و سیاست‌های کلان نظام در دهه بعدی بوده است.

زند (۱۳۸۰)، در مقاله بحران قومی و وحدت ملی: الگوی سیاست قومی در جمهوری اسلامی ایران می‌کوشد تا با بررسی کم و کیف سیاست قومی و به‌طور کلی سیاست فرهنگی در ایران، به مهمترین نمودها و شاخص‌های وجود یک بحران قومی در ایران بپردازد تا از این طریق به یک الگوی مناسب سیاست قومی دست یابد.

با مروری تحقیقات انجام شده می‌توان دریافت که در زمینه نقش احزاب و تشکلهای مدنی در مشارکت سیاسی استان کردستان تاکنون پژوهش مستقلی انجام نشده است. در این پژوهش تلاش شده است تا با نگاه به تجارب

تاریخی جمهوری اسلامی در تعامل با اقوام طی چهار دهه پس از انقلاب اسلامی، مسیر جدیدی را برای انجام آثار پژوهشی بیشتر جهت تبیین مناسبات و تعاملات دولت و اقوام فراهم نماید.

۴. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع مطالعات توصیفی - تحلیلی می‌باشد و آمار و داده‌های آن از طریق اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی و جستجو در سایت‌ها و خبرگزاری‌ها گردآوری شده و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۵. یافته‌های پژوهش

۱-۵. مشارکت سیاسی استان کردستان پس از انقلاب اسلامی

روند تاریخی مشارکت سیاسی استان کردستان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با فراز و فرودهای زیادی روبرو بوده و در دوره‌های مختلف و بسته به فضای سیاسی حاکم بر کشور این وضعیت نیز تغییر یافته است. به عبارت دیگر، وضعیت مشارکت سیاسی روند ثابتی نداشته و حتی در مقاطعی با رکود نسبی مواجه بوده است. برای بررسی مشارکت سیاسی در حوزه انتخابات، بر نقش و کارکرد احزاب سیاسی و دامنه و گستره فعالیت و کارکرد نهادهای مدنی در روند پیشرفت سیاسی استان کردستان تمرکز شده است. در مبحث انتخابات به بررسی انتخابات ریاست جمهوری پرداخته می‌شود و علاوه بر این در هر دوره زمانی، میزان مشارکت در انتخابات، فعالیت‌های حزبی و حضور تشکلات و نهادهای مدنی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در بخش احزاب مهمترین احزاب رسمی و قانونی کشور که در استان کردستان فعالیت داشته‌اند، معرفی شده است. در این پژوهش، روند تاریخی مشارکت سیاسی استان کردستان پس از انقلاب اسلامی در قالب چند شاخص (انتخابات، احزاب و تشکلات سیاسی، وضعیت نهادهای مدنی) طی پنج دوره زمانی مختلف مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۵. وضعیت مشارکت سیاسی در انتخابات ریاست جمهوری دوره زمانی ۱۳۶۸ - ۱۳۵۸

با توجه به آمار و ارقام وضعیت مشارکت مردم استان کردستان در انتخابات ریاست جمهوری نشان می‌دهد که در نخستین دوره (پنجم بهمن سال ۱۳۵۸) در حالی که انتخابات در شهرهای سنندج، بیجار، قروه و مریوان برگزار ولی در شهرهای سقز و بانه برگزار نشد، حدود ۴۶ هزار و ۵۲۲ نفر از ۴۶۰ هزار و ۷۷۵ نفر جمعیت واجد شرایط استان شرکت کردند که شامل یک هزار و ۵۱۴ نفر در سنندج، ۲۸ هزار و ۱۵۱ نفر در بیجار، ۲۸۵ نفر در مریوان و ۱۶ هزار و ۵۶۸ نفر در قروه بود. میزان مشارکت عمومی در استان حدود ۱۲/۸۳ درصد است که پایین‌ترین میزان مشارکت در این دوره رقم خورده است.

همزمان با فرار عناصر ضدانقلاب از شهرها و استقرار حاکمیت جمهوری اسلامی، روند صعودی مشارکت مردم کردستان در انتخابات آغاز شد به طوری که دومین دوره انتخابات ریاست جمهوری که در دوم مرداد سال ۱۳۶۰ برگزار شد را می‌توان نقطه شروع تجلی مشارکت مردمی دانست. در این دوره از مجموع ۴۸۷ هزار و ۴۶۳ نفر جمعیت واجد شرایط رای دادن، ۲۱۲ هزار و ۸۸۴ نفر در انتخابات دور دوم ریاست جمهوری شرکت کردند و این در شرایطی است که هنوز بسیاری از روستاهای استان به خاطر تحرکات و تهدیدات ضد انقلابیون مسلح از شرکت در انتخابات بی‌بهره مانده بودند. در این دوره از انتخابات ۷۱ هزار و ۳۵۳ نفر در شهرستان سنندج، ۵۸ هزار و ۹۲ نفر در بیجار، ۱۷ هزار و ۹۸۴ نفر در مریوان، ۱۸ هزار و ۲۶۱ نفر در سقز، ۳۹ هزار و ۸۲۵ نفر در شهرستان قروه و هفت هزار و

۳۶۹ نفر در بانه در انتخابات شرکت کردند. در سومین دوره انتخابات ریاست جمهوری که به فاصله حدود دو ماه از انتخابات دوره دوم، در ۱۰ مهر ماه سال ۱۳۶۰ برگزار شد از مجموع ۴۸۷ هزار و ۴۶۳ نفر جمعیت واجد شرایط استان کردستان ۲۳۵ هزار و ۹۷۸ نفر در انتخابات شرکت کردند. آمار شرکت کنندگان در سومین دوره انتخابات ریاست جمهوری در شهرستان سنندج ۷۶ هزار و ۱۳۹ نفر، بیجار ۶۹ هزار و ۲۰۴ نفر، مریوان ۲۰ هزار و ۲۱۵، سقز ۱۹ هزار و ۳۹۸، قروه ۴۲ هزار و ۳۱۲ و بانه هشت هزار و ۷۱۰ نفر بود. در چهارمین دوره انتخابات ریاست جمهوری که ۲۵ مرداد سال ۱۳۶۴ برگزار شد، ۲۸۰ هزار و ۴۵۱ نفر از ۵۴۴ هزار و چهار نفر جمعیت واجد شرایط رای دادن استان کردستان در انتخابات مشارکت کردند. شرکت کنندگان در این دوره از انتخابات در شهرستان های استان عبارت بود از سنندج ۱۰۲ هزار و ۴۴۷ نفر، بیجار ۳۸ هزار و ۵۲۷، مریوان ۴۰ هزار و ۷۴۱، سقز ۴۲ هزار و ۶۷۷، قروه ۳۷ هزار و ۱۷۱ و شهرستان بانه ۱۸ هزار و ۸۸۸ نفر (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸).

نگاهی اجمالی به وضعیت چهار دوره انتخابات ریاست جمهوری برگزار شده بیانگر روند رو به رشد مشارکت مردم استان کردستان در مقوله انتخابات ریاست جمهوری و نشان دهنده میزان اشتیاق آنان برای همراهی با نظام در اداره امور جامعه و کشور است. در ارتباط با میزان مشارکت مردم کردستان در نخستین دوره انتخابات ریاست جمهوری به دلیل نبود آمار دقیق از جمعیت واجد شرایط، آمار و ارقام در دسترس نیست ولی آنچه بدیهی است این واقعیت است که ضد انقلاب به دلیل حضور در شهرها و ایجاد فضای رعب و وحشت عمیق از طریق ترور و وارد کردن اتهامات واهی و مختلف مانع از ظهور و بروز علاقه و پابندی مردم کردستان به نظام اسلامی از طریق شرکت در انتخابات شد. از دومین دور انتخابات ریاست جمهوری به دنبال فرار ضد انقلابیون زمینه مناسب برای مردم کردستان فراهم شد تا در فاصله دو سال از نخستین انتخابات ریاست جمهوری کردستانی ها بتوانند پابندی خود را به اثبات برسانند و روند رو به رشد مشارکت این واقعیت را به اثبات می رساند. در دومین دوره انتخابات ریاست جمهوری میزان مشارکت مردمی در کردستان ۴۳/۶ درصد بود که در سومین دوره انتخابات و به فاصله حدود دو ماه از دومین دوره به ۴۸/۴ درصد افزایش یافت. میزان مشارکت مردم کردستان در انتخابات در استمرار روند افزایشی در چهارمین دوره انتخابات ۵۱/۵ درصد افزایش یافت.

۳-۵. نقش احزاب و تشکلهای مدنی در مشارکت سیاسی استان کردستان: بازه زمانی ۱۳۶۸ - ۱۳۵۸

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با توجه به شرایط کشور و به ویژه در استان کردستان، ناآرامی و بی ثباتی سیاسی حاکم بود. در این شرایط زمینه برای ظهور و فعالیت احزاب سیاسی گرد فراهم نبود. در این دوره آنچه در کشور و استان کردستان جریان داشت، یک شرایط پیچیده پس انقلابی بود و مجالی برای کار سیاسی در قالب تشکیلات منسجم و قانونی وجود نداشت. اما از سویی دیگر احزاب سیاسی مخالف از این موقعیت استفاده کرده وارد عرصه می شوند و به سازماندهی برخی گروه های کردی می پردازند. ایدئولوژی پیرامون خواست های قومی جهت کسب خودمختاری از حکومت مرکزی شکل می گیرد. «احزاب کردی موجود در اوایل انقلاب مانند دموکرات و کومله با سازماندهی مردم حول شعار خودمختاری توانسته بودند احساسات قومی مردم گرد را که سال ها تحت تأثیر سیاست سرکوب و خفقان شاهنشاهی سرکوب شده بود، به وجد آورده و تمامی آنان را به میدان سیاست کشانده و بسیج نمایند» (جلایی-پور، ۱۳۷۲: ۹۰). احزاب مخالف کردی از همان اوایل انقلاب اسلامی به این نتیجه رسیده بودند که دولت تازه تأسیس

جمهوری اسلامی با خواسته‌های ناسیونالیسم کردی، سکولاریسم و خودمختاری در تعارض است و با یادآوری خطر بازگشت به وضعیت وحشتناک دوره پهلوی سعی می‌کردند که برخی گروه‌های قومی را بسیج کنند. در همین راستا مردم شهرهای سنندج، مریوان، بانه، سقز، مهاباد و چند شهر دیگر استان به درخواست حزب دموکرات کردستان به خیابان‌ها آمدند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸).

در مقابل حزب مساوات اسلامی مفتی‌زاده، خشونت و نبردهای مسلحانه را نمی‌پذیرفتند و خواستار دستیابی به خودمختاری از طریق مذاکره شدند. طرفداران این نظریه که بیشتر در سنندج قرار داشتند به پیشمرگان مسلمان معروف بودند. به دنبال این جهت‌گیری مفتی‌زاده بود که سایر احزاب گرد بر ضد او، مردم را به تظاهرات دعوت کردند (جلایی-پور، ۱۳۷۲: ۸۲). در طی سال‌های درگیری نیروهای انقلاب اسلامی با احزاب دموکرات و کومله، این احزاب همواره با تشویق جوانان و دامن زدن به احساسات قومی (مانند تأکید بر تدریس و آموزش به زبان مادری، نجات فرهنگ کردی و ...) و برجسته ساختن تبعیض‌ها، محرومیت‌ها و مجسم ساختن یک آرمان شهر برای مردم گرد که در آن تمامی خواست‌ها و نیازهای مردمی به ثمر خواهد نشست، آنان را به میدان این مبارزات می‌کشاندند که هزاران نفر از دو طرف در این جنگ‌ها کشته شدند (چمران، ۱۳۶۰: ۲۹).

از طرف دیگر، نهادها و تشکل‌های مدنی نیز در استان کردستان قدمت زیادی ندارند. پس از انقلاب اسلامی و به دنبال آن ناآرامی‌های سیاسی در استان و منطقه و همچنین جنگ هشت ساله رژیم بعث عراق علیه انقلاب نوپای ایران، فضا را برای رشد و ظهور نهادهای مدنی فراهم نمی‌ساخت. با پایان یافتن جنگ ایران و عراق به ویژه پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ زمینه برای فعالیت نهادهای مدنی در استان کردستان مهیا گردید.

۵-۴. وضعیت مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری (۱۳۷۶ - ۱۳۶۸)

پس از پایان جنگ تحمیلی و افزایش همبستگی اجتماعی، میزان مشارکت استان کردستان در انتخابات ریاست جمهوری نسبتاً سیر صعودی داشته است. میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری در این استان، در سال‌های پس از جنگ تحمیلی جدای از سایر استان‌ها نبوده، طی این دوره، بسته به فضای سیاسی حاکم بر کل کشور، میزان مشارکت مردم استان در انتخابات ریاست جمهوری متأثر از فضای سیاسی-اجتماعی کشور فراز و فرود داشته و در مقاطعی روند افزایشی یا کاهشی پیدا کرده است. در میزان مشارکت مردم استان، هماهنگی بین شهرستان‌های استان وجود نداشته و رفتار سیاسی شهرستان‌های استان در انتخابات متفاوت بوده است. در دوره پنجم، مشارکت نسبتاً روند افزایشی پیدا کرده است. با توجه به وضعیت مشارکت مردم شهرستان سنندج در انتخابات ادوار ریاست-جمهوری، می‌توان گفت که دوره پنجم با ۶۸ درصد مشارکت، دومین دوره از نظر میزان بالای مشارکت بوده است.

در پنجمین دوره انتخابات ریاست جمهوری که در ششم مرداد ماه سال ۱۳۶۸ برگزار شد از مجموع ۶۰۷ هزار و ۲۶۵ نفر جمعیت واجد شرایط استان کردستان ۳۵۶ هزار و ۳۲۳ نفر در شعبه‌های رأی‌گیری حضور و رأی دادند. در انتخابات ریاست جمهوری پنجم، ۱۲۸ هزار و ۲۷ نفر در شهرستان سنندج، ۲۶ هزار و ۴۴۵ نفر در بیجار، ۶۶ هزار و ۱۲۰ نفر مریوان، ۵۷ هزار و ۹۸۷ نفر در سقز، ۵۲ هزار و ۶۱۰ نفر در قروه و ۲۵ هزار و ۱۳۵ نفر در شهرستان بانه رأی دادند. جمعیت واجد شرایط رأی دادن استان کردستان در ششمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ۶۹۴ هزار و ۶۸۷ نفر بود که از این تعداد ۳۸۱ هزار و ۷۹۰ نفر در انتخابات شرکت کردند که از این تعداد ۱۲۲ هزار و ۸۷۹ نفر

مربوط به شهرستان سنندج، ۳۸ هزار و ۷۷۹ نفر بیجار، ۵۴ هزار و ۱۴۹ نفر مریوان، ۶۰ هزار و ۷۴۰ نفر سقز، ۶۹ هزار و ۷۱۵ نفر قروه و ۳۵ هزار و ۵۲۸ نفر مربوط به شهرستان بانه بود. نگاهی اجمالی به وضعیت شش دوره انتخابات ریاست جمهوری برگزار شده بیانگر روند رو به رشد مشارکت مردم استان کردستان در مقوله انتخابات ریاست جمهوری و نشان‌دهنده میزان اشتیاق آنان برای همراهی با نظام در اداره امور جامعه و کشور است (خبرگزاری جمهوری اسلامی). در مجموع میزان مشارکت مردم کردستان در پنجمین دوره انتخابات ریاست جمهوری به ۵۸/۶ درصد و در ششمین دوره به ۵۴/۹ درصد کاهش یافت که نسبت به دوره‌های دوم، سوم و چهارم رشد نشان می‌دهد ولی در مقایسه با پنجمین دوره انتخابات ریاست جمهوری روند کاهشی داشته است.

۵-۵. نقش احزاب و تشکلهای مدنی در مشارکت سیاسی استان کردستان: بازه زمانی ۱۳۷۶ - ۱۳۶۸

در دهه دوم و پس از تثبیت انقلاب اسلامی و پایان یافتن جنگ تحمیلی یعنی طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ احزاب سیاسی در استان کردستان فعال نبوده‌اند. طی این دوره، فعالیت‌ها و اقدامات احزاب اپوزیسیون کردی در چند سال اوایل دهه ۷۰ با رکود مواجه شد و فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و مدنی در چارچوب قانون اساسی نیز رونقی نداشت. آمار و ارقام مشارکت سیاسی نشان‌دهنده کاهش نسبی حضور مردم در این عرصه است. این روند تقریباً از نیمه دهه ۷۰ است که فضای فرهنگی و سیاسی کشور به تدریج دچار تغییر می‌شود. با ورود جریان اصلاحات به عرصه سیاسی کشور، مردم کردستان تا حدودی به مشارکت سیاسی و بسیج اجتماعی از جانب کردهای اصلاح طلب ترغیب شدند (توکلی، ۱۳۸۲).

۵-۶. وضعیت مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری (۱۳۷۶-۱۳۸۴)

با شروع کارزار انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۶، تغییرات اساسی در سمت‌گیری افکار عمومی و مطبوعات و آزادی‌های مشروع سیاسی و اجتماعی صورت گرفت که در مناطق کردستان نیز تأثیر خود را برجای گذاشت. سخنرانی‌های انتخاباتی سیدمحمد خاتمی و وعده‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی وی به کردها طی سفرهایی که به شهرهای کردنشین داشتند، نوعی شور و شوق اجتماعی را ایجاد کرد. فضای رخوت‌آلود دوره سازندگی جای خود را به فعالیت، تحرک اجتماعی و مشارکت سیاسی در چارچوب قانون اساسی کشور داد. با توجه به وضعیت مشارکت مردم شهرستان سنندج در دوره هفتم، ۷۰ درصد مردم در انتخابات مشارکت داشته‌اند که بالاترین میزان مشارکت بوده است. دلیل مشارکت بالا در این دوره، شعارهای اصلاح‌طلبانه کاندیدای منتقد آن دوره بوده است و مردم به امید تغییر وضع موجود، استقبال بیشتری از انتخابات داشته‌اند. طی این دوره، مشارکت بالا به عنوان نوعی بسیج توده‌ای حول محور یک کاندیدای با شعار اصلاح‌گرایانه بوده و می‌توان گفت که اعتماد سیاسی در حضور گسترده مردم و مشارکت بالا تبلور یافته است.

هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری که در دوم خرداد ماه سال ۱۳۷۶ برگزار شد نقطه عطفی در تاریخ مشارکت مردم کردستان در انتخابات است زیرا میزان مشارکت هم‌تراز با میانگین کشوری قرار گرفت. در این دوره از انتخابات ریاست جمهوری از مجموع ۷۸۱ هزار و ۴۸ نفر جمعیت واجد شرایط رأی دادن در استان کردستان، ۶۱۷ هزار و ۳۵۱ نفر در انتخابات شرکت کردند که ۷۹ درصد جمعیت واجد شرایط بود. هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ۱۸ خرداد سال ۱۳۸۰ همزمان با سراسر کشور در استان کردستان برگزار شد که در جریان آن ۴۸۶ هزار و ۵۹۶ نفر از

مجموع ۹۱۰ هزار و ۳۶۴ نفر جمعیت واجد شرایط استان در انتخابات شرکت کردند در این دوره از انتخابات میانگین مشارکت مردم استان کردستان در مقایسه با انتخابات دوره هفتم حدود ۲۵/۵ درصد کاهش را نشان می-دهد (توکلی، ۱۳۸۲).

به طور کلی مشارکت گسترده ۷۹ درصدی مردم استان کردستان در انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد ۱۳۷۶ به نوعی بیان کردن خواسته‌ها و نوع نگاه مردم این استان به مسائل ملی و رفع محرومیت بود. «مشارکت در قدرت، توزیع عادلانه ثروت و ارتقای جایگاه و منزلت» سه شاخصی بودند که گروه‌ها و احزاب سیاسی کردستان در بیانیه‌های خود در جریان حمایت‌شان از خاتمی بارها تکرار کردند. در انتخابات سال ۱۳۸۰ و عملی نشدن وعده‌هایی که دولت اصلاحات برای تحقق شعار «ایران برای همه ایرانیان» داده بود مردم این استان با ۵۳ درصد کمترین سطح مشارکت در کشور را داشتند و به نحوی نارضایتی خود را از عدم توجه به عملی کردن شعارهای خاتمی نشان دادند. بر اساس گرایش‌های سیاسی درون جناحی می‌توان گفت که رفتار سیاسی مردم کردستان به لحاظ داشتن بینش سیاسی و تعداد زیاد نخبگان فرهنگی، سیاسی و ادبی و نیز در اقلیت بودن، گرایشی متمایل به سمت و سوی اصلاح طلبان بوده است (قمریان، ۱۴۰۰: ۱۸۴).

۵-۷. نقش احزاب سیاسی و تشکل‌های مدنی در دوره ۱۳۷۶-۱۳۸۴

با روی کار آمدن دولت اصلاحات، جریان اصلاح طلبان گُرد شکل گرفت که توانستند با توجه به فضای آن دوره، بخش‌هایی از مردم کردستان را برای مشارکت و حضور در نظام سیاسی ترغیب کنند. میزان رشد و گسترش نشریات و نهادهای مدنی در کردستان افزایش یافت و فضای اجتماعی رونق نسبی پیدا نمود. این دوره، احزاب اصلاح طلبی مانند سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در استان کردستان شعباتی را ایجاد کردند. سایر احزاب سیاسی نیز در استان کردستان شعباتی برپا نمودند که از جمله می‌توان به حزب کارگزاران شعبه کردستان، حزب همبستگی دانش‌آموختگان، حزب مؤتلفه اسلامی شاخه کردستان، حزب مردم‌سالاری شاخه کردستان، شورای هماهنگی اصلاح طلبان، جامعه اسلامی مهندسین استان کردستان، مجمع فرهنگیان استان کردستان، جبهه متحد گُرد شاخه کردستان و جبهه مشارکت اسلامی شاخه کردستان اشاره نمود. اصلاح طلبان گُرد مردم را به مشارکت در عرصه سیاسی و به ویژه مجلس شورای اسلامی دعوت کردند و توانستند قشر تحصیل کرده و متوسط جامعه کردستان را تا حدودی جذب کنند. نمایندگان گُرد در مجلس ششم توانستند فراکسیون نمایندگان کرد و جبهه متحد گُرد را تشکیل دهند و مردم را جهت دستیابی به خواسته‌ها و مطالبات‌شان سوق دهند (Yildiz and Tanyel, 2007: 111). برخی نمایندگان سابق استان کردستان طی مصاحبه‌های خود درباره نفوذ و جایگاه اصلاح طلبان گُرد میان مردم در این دوره چنین می‌گویند: «اصلاح طلبان کرد تقریباً در بین مردم از نفوذ خوبی برخوردار هستند، به خصوص در بین جوانان و تحصیل کرده‌ها. در ایران، نمی‌شود با قهر و با انزوا و دوری از قدرت به مطالبات مردم گُرد برسیم. معتقدم که تا حال ما در انتخابات مختلف، مخصوصاً در انتخابات مجلس، واقعاً ضرر کرده‌ایم و با توجه به اینکه کردها و به خصوص اهل سنت در ساختار سیاسی ایران مشارکتی ندارند. معتقدم باید کردها در انتخابات مجلس واقعاً شرکت بکنند و به دنبال معرفی گروه‌ها و افراد و شخصیت‌هایی باشند که بتوانند در صحن مجلس از مطالبات و خواسته‌های مردم کرد دفاع بکنند. متأسفانه ما

تاکنون به این دلیل که در مجالس مختلف، افراد فعال و پیگیر نداشته‌ایم، در صحنه اقتدار و در صحنه‌های مختلف عمرانی، اقتصادی و اجتماعی نتوانسته‌ایم به مطالبات خودمان برسیم» (جلالی‌زاده، ۱۳۸۸).

در مقابل، احزاب کرد اپوزیسیون، جریان اصلاح‌طلبان کرد را وابسته به جمهوری اسلامی می‌دانستند و به تنزل خواسته‌های کردستانی‌ها محکوم می‌کردند و از مردم می‌خواستند تا در این احزاب و تشکلهای حضور پیدا نکنند (عزیزی، ۱۳۸۹). با وجود تحریم کردهای اصلاح‌طلب از جانب احزاب مخالف کردی، آنان در بسیج سیاسی مردم و نوید یک اوضاع متفاوت برای کردها در دولت جدید خاتمی تا حدودی موفق عمل کردند. مشارکت در انتخابات و عضویت در تشکلهای سیاسی اصلاح‌طلب و رونق گرفتن فعالیت‌های سیاسی و مدنی در چارچوب قانون اساسی کشور نمونه بارزی از این موفقیت بود. کردهای اصلاح‌طلب با انتقاد از سیاست انزوا و مرکزگرایانه احزاب مخالف کردی، سیاست و عملکردهای گذشته آنان را عامل اصلی عقب‌ماندگی همه‌جانبه کردستان می‌دانستند و گفتمان مشارکت در دولت را برای پیگیری خواسته‌ها بر سر زبان‌ها انداختند (Hicks, 2005: 70). در دوران اصلاحات، اغلب احزاب و تشکلهایی که در استان کردستان فعالیت می‌کردند، شعب احزاب مرکزی بودند. یعنی احزاب و سازمان‌های سیاسی معروف کشوری معمولاً شعبی در مراکز استان‌ها دایر می‌کردند. در استان کردستان این شعب دایر بوده‌اند؛ اما براساس آنچه که طبق آماری که از استانداری کردستان دریافت شد، فقط بخشی از این احزاب مجوز فعالیت از نهادهای متولی در استان دریافت کرده‌اند.

جدول ۱: احزاب و تشکلهای سیاسی در دوره ۱۳۸۴-۱۳۷۶

ردیف	عنوان حزب	تاریخ اخذ مجوز	شهرستان
۱	جامعه اسلامی فرهنگیان	۸۲/۴/۳۰	سنندج
۲	حزب مولفه اسلامی	۸۴/۳/۱۰	سنندج
۳	مجمع اسلامی بانوان	۸۴/۳/۱۰	سنندج

منبع: استانداری استان کردستان

۵-۸. وضعیت مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری (۱۳۹۲-۱۳۸۴)

شهرستان سنندج در دوره نهم با ۳۲ درصد مشارکت، از نظر میزان کم مشارکت یکی از کم‌رغم‌ترین دوره‌های انتخابات ریاست جمهوری را رقم زدند. مرحله دوم دوره نهم، با حدود ۲۰ درصد مشارکت، پایین‌ترین حد مشارکت در کل ادوار انتخابات ریاست جمهوری بوده است. پس از دو دوره حضور اصلاح‌طلبان بر مسند قدرت و عدم تحقق بیشتر شعارهای این دو دولت در استان کردستان، مردم استقبال کمتری در دوره نهم داشته‌اند. البته در مراحل دوم همه انتخابات‌ها، معمولاً استقبال مردم کاهش می‌یابد.

نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در دو مرحله در ۲۷ خرداد و سوم تیر ماه سال ۱۳۸۴ برگزار شد. در مرحله نخست این دوره از انتخابات ریاست جمهوری از مجموع یک میلیون و ۳۲۰ هزار و ۳۰۶ نفر جمعیت واجد شرایط استان کردستان ۳۸۵ هزار و ۴۱۶ نفر شرکت کردند که معادل ۳۳/۳۷ درصد واجدان شرایط بود. در مرحله دوم نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در سوم تیر ماه ۸۴ میانگین مشارکت مردم کردستان به ۲۴/۹۵ درصد کاهش یافت

که این کاهش به اعتقاد دست‌اندرکاران انتخاباتی امر عادی مرحله دوم هر انتخاباتی است. بررسی اجمالی روند مشارکت مردم کردستان در انتخابات ریاست‌جمهوری برای انتخاب مدیر ارشد اجرایی کشور نشان‌دهنده روندی افزایشی و رو به رشد است که در انتخابات هفتمین دوره ریاست‌جمهوری به اوج رسید ولی پس از چهار سال این روند افزایشی سیر نزولی آغاز کرد. این روند نشان می‌دهد که مردم کردستان بر خلاف تبلیغات ضد انقلاب ترجیح می‌دهند مطالبات و خواسته‌های خود را در چارچوب قانون اساسی و همسو با مصالح نظام اسلامی مطرح کنند و روند نزولی مشارکت بیانگر این واقعیت است که دولت‌های برخاسته از انتخابات هفتم و هشتم نتوانسته است پاسخ مناسبی به این خواسته‌ها ارائه کند. نمایندگان دولت هشتم در استان کردستان بر اساس مصالح نظام می‌بایستی آسیب‌شناختی جدی را برای دستیابی به علل و عوامل کاهش ۲۵/۵ درصدی مشارکت مردم در استان از انتخابات هفتم تا هشتم برای متوقف شدن روند نزولی در دستور کار قرار می‌دادند ولی متأسفانه این وضعیت جدی تلقی نشد و سیر نزولی استمرار یافت و در مرحله نخست نهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری این کاهش از انتخابات هفتم تا نهم به مرز ۴۱/۶۷ درصد رسید. بر اساس آمارها، متوسط مشارکت عمومی طی دوره‌های اول تا نهم ریاست‌جمهوری (۱۳۸۴-۱۳۵۸) در استان کردستان ۴۸/۱۹ درصد بوده است.

۵-۹. نقش احزاب سیاسی و تشکل‌های مدنی در دوره (۱۳۹۲-۱۳۸۴)

با افول جریان اصلاحات و به دنبال ناکامی‌های مختلفی که این جریان در عرصه سیاسی پیدا کرد، شرایط به گونه‌ای رقم خورد که باعث کاهش بسیج قومی از سوی کاندیداهای اصلاح‌طلب گرد در دوره‌های بعد شد. این ناکامی به مثابه ناکامی آن دسته از نخبگانی تلقی شد که برای تغییر اوضاع از طریق مشارکت در عرصه‌های سیاسی فعالیت تبلیغاتی کرده بودند. آمار پایین مشارکت استان کردستان در دوره نهم ریاست‌جمهوری نشان‌دهنده بازگشت به دوران رکود فعالیت‌های سیاسی در این منطقه بود. در این زمینه برخی فعالان سیاسی و مدنی کردستان معتقد بودند که در دولت نهم برخلاف دوران اصلاحات، فضای مدنی بسته و محدود شد و بسیاری از فعالیت‌های تشکل‌های سیاسی نیز دچار رکود گردید (مولودی، ۱۳۸۸: ۲۲۸). در دوره ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد، احزاب سیاسی قانونی در استان دارای شعباتی بودند و به فعالیت می‌پرداختند. در بررسی وضعیت فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این دوره مشاهده می‌شود که شرایط اقتصادی و اجتماعی بسیج قومی در استان کردستان برای نخبگان حزبی مهیا شده است. با نگاهی به اوضاع منطقه و جهان نیز این اوضاع مساعد به نظر می‌رسد. احزاب سیاسی به سوی ایجاد مطبوعات ترغیب شدند و فعالیت آنها در پایگاه‌های اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی در حال افزایش بود. هزاران سایت و وبلاگ از جانب این احزاب تأسیس شده و فعالیت می‌کنند (Geoffrey, 2009: 192).

تحولات منطقه و اوضاع داخلی کشورهای همسایه به‌ویژه حمله ایالات متحده آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳م، که به سقوط رژیم صدام حسین انجامید، زمینه را برای ایجاد خودگرانی کردها و تأسیس حکومت منطقه‌ای فدرال در شمال عراق فراهم نمود. اقلیم کردستان عراق طی این سال‌ها شعارهایی در زمینه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی، ارتقاء ارزش‌های فرهنگی و قومی، آزادی و دموکراسی، اتصال اقلیم کردستان با جهانیان و نظام بین‌المللی و... ارائه داده بود و خود را در موقعیت الگویی و آرمانی میان کردهای غرب آسیا نشان می‌داد. حکومت اقلیم کردستان عراق با استفاده از امکانات و نیز فرصت‌های منطقه‌ای و جهانی با شتاب روزافزونی به دنبال ایجاد و توسعه نهادهای سیاسی، اداری

و قانونی خود و پیدا کردن شکل کامل یک سازمان حکومتی بود. ایجاد نهادهای حکومتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، حقوقی، آموزشی، عمرانی، اداری و خدماتی به بقا و تحصیل اهداف توسعه‌ای آن کمک می‌نمود. آنها همواره می‌کوشیدند تا ارزش‌ها و اهدافی همچون دموکراسی، آزادی بیان، فعالیت مطبوعاتی، تعامل با نهادهای بین‌المللی و جهانیان، ارتباطات رسانه‌ای، جلب سرمایه‌گذاری خارجی، اقتصاد آزاد، امنیت و ... را در شمال عراق دنبال کنند. سیاست‌های اقلیم کردستان عراق در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زمینه‌ها و فرصت‌هایی جهت علاقه‌مندی کردهای کشورهای منطقه بر پایه عنصر اشتراک و تعلق قومی را به دنبال داشت و انگیزه و جذابیت ایجاد می‌نمود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۷: ۲۰). در نتیجه این تحولات، فعالان حزبی اقلیم کردستان عراق با استفاده از کانال‌های تلویزیونی و شبکه‌های اجتماعی به صورت گسترده به القای این تفکر می‌پرداختند که در صورت موفقیت آنان در مبارزات‌شان، کردستان ایران نیز مانند اقلیم کردستان عراق خواهد شد. آنان با اشاره به این موضوع که احزاب کرد اقلیم کردستان نیز با پیگیری همان رویه مبارزاتی که احزاب کردستان ایران در صدد آن بوده و هستند، به موفقیت دست پیدا کردند، به این نتیجه رسیده‌اند که شیوه مبارزات آنها درست بوده است. در پی این رخدادها، استان کردستان ایران نیز از سال ۱۳۸۲ به این سو، تحت تأثیر قرار گرفت و در سال ۱۳۸۴، برخی ناآرامی‌های سیاسی در استان به وجود آمد. این حوادث، اعتراضات نمایندگان مجلس از شهرهای کردستان، روزنامه‌ها و شخصیت‌ها را نیز به دنبال داشت. در همین خصوص برخی نمایندگان کرد مجلس شورای اسلامی از استان‌های مختلف اعم از شیعه و سنی، فراکسیون کرد را تشکیل دادند تا بتوانند مطالبات و خواسته‌هایشان را از این طریق پیگیری کنند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۷: ۲۸).

جدول شماره ۲: احزاب سیاسی و تشکلهای مدنی در دوره (۱۳۹۲-۱۳۸۴)

ردیف	عنوان حزب	تاریخ اخذ مجوز	شهرستان
۱	جامعه اسلامی فرهنگیان	۸۲/۴/۳۰	سنندج
۲	حزب مؤتلفه اسلامی	۸۴/۳/۱۰	سنندج
۳	مجمع اسلامی بانوان	۸۴/۳/۱۰	سنندج
۴	جامعه زینب (س)	۸۵/۴/۱۸	سنندج
۵	حزب مردم سالاری	۹۲/۹/۱۶	سنندج
۶	جامعه اسلامی مهندسين	۹۴/۷/۹	سنندج
۷	حزب عدالت ایرانیان	"	سنندج
۸	جمعیت نیروهای انقلاب اسلامی	"	سنندج
۹	خانه کشاورز	"	سنندج
۱۰	خانه کارگر		سنندج
۱۳	حزب مؤتلفه اسلامی	۸۹/۴/۲۷	بانه
۱۴	حزب مؤتلفه اسلامی	۹۰/۳/۲۲	قروه
۱۵	جامعه اسلامی فرهنگیان	۸۵/۴/۱۸	کامیاران
۱۶	حزب عدالت طلبان ایران	۹۰/۱۲/۴	سروآباد

به لحاظ رشد نهادها و تشکلهای مدنی، استان کردستان همانند سایر مناطق ایران در چهار دهه اخیر در جریان فرایند نوسازی قرار گرفته است و به دلیل اجرای سیاستهای مبتنی بر برنامه‌های نوسازی و عناصر آن، یعنی شهرنشینی، گسترش آموزش رسمی خصوصاً آموزش عالی، ارتباطات و رسانه‌های جمعی، تغییراتی را در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تجربه کرده است (قادرزاده و کرمی، ۱۳۹۹: ۲۰۵). پس از سال ۱۳۸۴ تعداد قابل توجهی سازمان مردم نهاد در این استان فعالیت خود را آغاز نموده است. به گونه‌ای که در این استان ۴۵۷ سازمان مردم نهاد تا پایان برنامه پنجم به ثبت رسید و مجوز فعالیت دریافت کردند (استاندارد کردستان، ۱۳۹۴). این سمن‌ها در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، خیریه، حمایتی، زیست محیطی، زنان، اعتیاد و... فعالیت می‌کنند. نکته قابل تأملی که در رابطه با رشد سازمان‌های مردم نهاد در استان کردستان مورد توجه می‌باشد، رشد این سازمان‌ها و رغبت به فعالیت مدنی در بستری است که هنوز به لحاظ شاخص‌های توسعه کم برخوردار به حساب می‌آید و به تبع کم برخورداری در چند دهه اخیر مطالبات قومی در آن برجسته شده و نوعی بیگانگی سیاسی در این منطقه مشاهده شده است (قادرزاده و کرمی، ۱۳۹۹: ۲۰۵). با توجه به این وضعیت، سازمان‌های مردم نهاد در این استان همچنان فعال هستند، هر چند نگاه امنیتی به فعالان اجتماعی و مدنی در این استان فضای فعالیت را محدود و نسبت به سایر استان‌ها سخت‌تر نموده است و علی‌رغم مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی موجود سمن‌ها کماکان ادامه حیات می‌دهند. اغلب سمن‌ها توسط جوانان و تحصیل‌کردگان این استان تشکیل شده است که این موضوع دریچه‌ای به سوی معنای زندگی و انجام مسئولیت اجتماعی در فضای یکنواخت و کسالت‌آور بیکاری و شرایط و وضعیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی استان می‌باشد.

۵-۱۰. وضعیت مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری (۱۳۹۸-۱۳۹۲)

در زمینه مشارکت سیاسی، دولت یازدهم با شعارها و وعده‌هایی که در آستانه انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ ارائه داد، توانست مشارکت نسبتاً بالایی از سوی اقوام را به خود جذب کند. طی این دوره، دولت اعتدال در ۴ استان (سیستان و بلوچستان، آذربایجان شرقی، گلستان و کردستان) آراء بیش از نیمی از جمعیت رأی‌دهندگان را به دست آورد. بدین ترتیب، حدود ۶۶/۴ درصد استان‌های قوم‌نشین بیش از ۵۰ درصد جمعیت رأی‌دهنده آنها به حسن روحانی رأی مثبت داده‌اند.

در دوره یازدهم، حسن روحانی نه تنها وعده‌های قبلی در رسیدگی ویژه به مسائل اقلیت‌ها را تکرار کرد بلکه برای اجرای وعده‌هایش، مشاور ویژه این امور را هم تعیین نمود. همین امر باعث شد که آرای روحانی در کردستان به بالاترین حد خود (بالای ۷۰ درصد) برسد. اما این وعده‌ها تحقق نیافت. انتصاب یک فرد با سابقه وزیر اطلاعات مثل علی یونسی در سمت مشاور امور اقلیت‌ها نشان داد که رئیس‌جمهور روحانی نیز با رویکردی امنیتی به کردستان می‌نگرد. بعضی وعده‌های او هم در حیطه اختیارش نبود و تلاش‌های اولیه برای انتصاب وزیر یا استاندار گرد و سنی با برخی مواضع و واکنش‌ها مواجه شد. آموزش زبان مادری هم در مدارس از شعار و طرح و آزمایش فراتر نرفت. آنگونه که از نتایج دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری برمی‌آید این تلقی و تصور را تقویت می‌کند که کردها با مشارکت وسیع‌شان بیشترین رضایت را از وضعیت سیاستگذاری و مدیریتی در ایران دارند و این رضایت نسبی حاصل نگرش صحیح به کردها در این شرایط است، علی‌الخصوص ریخته‌شدن بیش از ۷۳ درصد رای شرکت-کنندگان کردستانی در صندوق‌های رأی به نفع حسن روحانی یعنی کاندیدایی که برخورد معتدل‌تر و میانه‌روتری به

پدیده تکرر قومی در ایران دارد، ممکن است این نگرش را بیش از پیش تقویت نماید. اما توسعه‌نیافتگی تاریخی نواحی کردنشین که نشأت گرفته از سیاست‌های کلان پسامشروطیت در ایران است، خود ساده‌ترین و شفاف‌ترین مدعا بر رد این فرضیه ضعیف است چرا که شاخصه‌های توسعه‌یافتگی از جمله زیرساخت، بهداشت، آموزش، توسعه شهری و روستایی، دسترسی برابر به فرصت‌ها و منابع، انضباط مالی و اقتصادی، مبارزه با فساد، درآمد و رفاه سرانه، طول عمر شهروندان و میزان امید به زندگی، شکل‌گیری نهادهای موفق تصمیم‌گیر توسط مردم، رشد منفی بزه‌های اجتماعی و اداری، امنیت اجتماعی و برابری در دسترسی آزاد به کسب و کار تماماً مواردی است که ثابت می‌کند مناطق کردنشین ایران نسبت به دیگر نواحی کشور در رده‌های پایینی توسعه و توسعه یافتگی به معنای عام قرار دارد. اما این فرجام در مناطق کردنشین ایران نه تنها پایانی بر حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی در این نواحی نبوده بلکه آغازی برای طرح خواسته‌ها و مطالبات‌شان از طریق مشارکت سیاسی بوده است. در شرایطی که بسیاری فکر می‌کردند پاسخ‌گردها به سیاستگذاری قومی دولت‌های نهم و دهم در کردستان، میزان مشارکت سیاسی در این مناطق پایین خواهد بود اما آنها به پای صندوق‌های رأی رفتند و در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ بیشترین درصد رأی را به نسبت سایر ایرانیان به صندوق‌ها ریختند، تفسیر ساده این مشارکت وسیع این است که کردها خواستار بهبود شرایط توسعه استان در چارچوب قانون اساسی هستند (کریمی‌مله و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۶).

۵-۱۱. نقش احزاب سیاسی و تشکلهای مدنی در دوره (۱۳۹۸-۱۳۹۲)

با توجه به رشد و گسترش گروه‌ها و احزاب سیاسی طی دوره اصلاحات، این روند تداوم یافت و در دوره ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ فعالیت آنها تشکیلاتی‌تر شده و حتی چندین حزب در قالب جبهه‌ای واحد در استان کردستان اعلام موجودیت نموده و وارد عرصه فعالیت سیاسی و حزبی شدند. اغلب احزاب سیاسی در ادوار مختلف گذشته معمولاً شعباتی در استانها تأسیس می‌نمودند. در دولت اعتدال، احزاب و تشکلهایی مانند حزب عدالت ایرانیان، جمعیت نیروهای انقلاب اسلامی و حزب مؤتلفه اسلامی از این دسته بودند. در جدول شماره ۳ احزاب سیاسی و تشکلهای مدنی در دوره ۱۳۹۲-۱۳۹۸ فهرست شده است.

جدول شماره ۳: احزاب سیاسی و تشکلهای مدنی در دوره (۱۳۹۸-۱۳۹۲)

ردیف	عنوان حزب	تاریخ اخذ مجوز	شهرستان
۶	جامعه اسلامی مهندسين	۹۴/۷/۹	سنندج
۷	حزب عدالت ایرانیان	"	سنندج
۸	جمعیت نیروهای انقلاب اسلامی	"	سنندج
۹	خانه کشاورز	"	سنندج
۱۰	خانه کارگر	"	سنندج
۱۱	حزب وحدت ملی	۹۴/۱۲/۱۲	سنندج
۱۲	حزب مؤتلفه اسلامی	۹۴/۱۲/۲۶	سقز

۶. نتیجه گیری

پس از انقلاب اسلامی در مناطق کردنشین اتفاقات به گونه دیگری رقم خورد و استان کردستان به عنوان کانون بحران‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دستخوش تحولات گوناگون شد. عوامل متعددی در بروز این تحولات نقش داشتند. حجم انبوه خواسته‌ها و مطالبات انباشته شده در دوره پهلوی، عدم بلوغ و تکامل احزاب و گروه‌های سیاسی و نبود فرهنگ گفتگو و رقابت سالم و قانونی، نبودن رویه تساهل و تسامح و خویشتن‌داری حزبی، مخدوش بودن مرزهای رقابت حزبی و برخورد آن با منافع ملی و عدم تشخیص و رؤیت این مرزها توسط جمعیت‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی، از شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بود که مانع از آن شدند تا ظرفیت‌های توسعه سیاسی ایجادشده بعد از انقلاب اسلامی جهت تعمیق فرهنگ سیاسی و رشد و گسترش تشکلهای مدنی در استان شکوفا شوند. در واقع احزاب و گروه‌های سیاسی به جای کار و تلاش و رقابت سیاسی سالم، با متهم کردن یکدیگر، تهمت و برچسب زدن و تکفیر یکدیگر، از فرصت طلایی ایجاد شده که محصول ده‌ها سال مبارزه بود به درستی استفاده نشد. پس از درگیری‌های خشونت‌بار احزاب و گروه‌ها و جنگ مسلحانه در کردستان و رویارویی تمام عیار دولت نوپای مرکزی با گروه‌های اپوزیسیون برانداز کلیه فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی تعطیل شدند. اما پس از فروکش کردن درگیری‌های گروه‌های اپوزیسیون مخالف نظام جمهوری اسلامی و آرامش و ثبات نسبی در کردستان، به ویژه در سال‌های پایانی دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ اجرای برنامه‌های ۵ ساله توسعه توسط دولت در بسیاری از مناطق و از جمله در کردستان امیدهایی را برانگیخت.

با پایان یافتن ریاست دوره ریاست جمهوری هاشمی‌رفسنجانی و در اواخر دولت سازندگی، از سال ۱۳۷۵ به بعد فضای فرهنگی و سیاسی کشور به تدریج تغییر کرد و در دوره انتخابات ریاست جمهوری در سال ۷۶ تغییر و تحولی در سمت‌گیری افکار عمومی و مطبوعات و آزادی‌های مشروع سیاسی و اجتماعی صورت گرفت که به شدت در مناطق کردستان ایران نیز تأثیر خود را برجا گذاشت و روزه‌ای را می‌گشود که به طور مسالمت‌آمیز و در چارچوب قانون اساسی نیز می‌توان به فعالیت پرداخت و شاهد رشد و شکوفایی کردستان بود.

طی این دوره علاوه بر بهبود شاخص‌های میزان مشارکت سیاسی در حوزه‌های انتخابات، افزایش فعالیت احزاب سیاسی، انجمن‌ها و تشکلهای مدنی، هم مشارکت سیاسی شهروندان در استان به بالاترین حد خود پس از پیروزی انقلاب اسلامی رسید و هم میزان انتشار مطبوعات رشد بسیار بالایی داشته است. احزاب سیاسی در این دوره توسعه می‌یابند و نهادها و تشکلهای مدنی اجازه فعالیت پیدا می‌کنند و اعتماد اجتماعی و سیاسی مردم نیز نسبت به همدیگر و نسبت به حکومت رشد می‌یابد؛ چرا که در مجموعه انتخابات آن دوران، میزان مشارکت مردم تقریباً برابر متوسط کشوری بوده و حتی در بعضی شهرها از متوسط کشوری نیز بالاتر رفته است.

با افول گفتمان اصلاحات و ناکامی آن در داخل و برخی تحولات خارجی، مشارکت سیاسی مردم در برخی حوزه‌های انتخاباتی استان کردستان روندی کاهشی یافت. محقق نشدن برخی خواسته‌ها و مطالبات، رد صلاحیت برخی کاندیداهای اصلاح‌طلب در انتخابات مجلس هفتم از جمله عوامل نارضایتی مردم استان کردستان بود. اگرچه در انتخابات مجلس شورای اسلامی، انگیزه‌های محلی، شهری، منطقه‌ای نیز در مشارکت مردم تأثیرگذار است و از این بابت با انتخابات ریاست جمهوری تفاوت دارد و به نظر می‌رسد رشد تدریجی مشارکت از دوره اول تا ششم به ویژه

افزایش قابل توجه مشارکت در انتخابات دوره ششم مجلس شورای اسلامی تا حد زیادی ناشی از اعتقاد به تأثیر حضور و مشارکت در انتخابات است. مشارکت مردم کردستان در انتخابات ریاست جمهوری برای انتخاب مدیر ارشد اجرایی کشور نشان‌دهنده روندی افزایشی و روبه‌رشد داشته است که در انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری به اوج رسید ولی پس از چهار سال این روند افزایشی سیر نزولی آغاز کرد. این روند نشان می‌دهد که مردم کردستان برخلاف تبلیغات ضد انقلاب ترجیح می‌دهند مطالبات و خواسته‌های خود را در چارچوب قانون اساسی و همسو با مصالح نظام اسلامی مطرح کنند و روند نزولی مشارکت بیانگر این واقعیت است که دولت‌های برخاسته از انتخابات هفتم و هشتم نتوانسته است پاسخ مناسبی به این خواسته‌ها ارائه کنند. با توجه به آمارها شاهد کاهش ۲۵/۵ درصدی مشارکت مردم استان از انتخابات هفتم تا هشتم می‌باشیم. سیر نزولی مشارکت استمرار یافت و در مرحله نخست نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری این کاهش از انتخابات هفتم تا نهم به مرز ۴۱/۶۷ رسید. روند رشد شاخصه‌های مشارکت سیاسی دوره بعدی و طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۸ در برخی موارد با کاهش نسبی مواجه شده است. میزان پایین مشارکت مردم در انتخابات و تعداد کم احزاب و تشکلهای مدنی گویای مدعای فوق است. اما در مجموع، با سنجش نسبت به سالهای اولیه انقلاب اسلامی، در این دوره نیز وضعیت مشارکت سیاسی روند نسبتاً مناسبی داشته است و عدم مشارکت بالا نسبت به دوره اصلاحات، هماهنگ با سراسر کشور بوده و به نوعی رفتار سیاسی شهروندان استان کردستان متمایز از شهروندان دیگر مناطق ایران نبوده است.

در مجموع در تحلیل و ارزیابی میزان مشارکت مردم کردستان در انتخابات می‌توان گفت که الگوی متعارفی به دست نمی‌آید. بالاترین میزان مشارکت مردم کردستان در انتخابات مربوط به سال ۱۳۷۶ است که در آن ۷۹/۴ درصد در انتخابات شرکت کرده‌اند و پایین‌ترین میزان مشارکت مربوط به سال ۸۴ می‌باشد که در آن ۲۴/۶ درصد واجدان شرایط در انتخابات شرکت کرده‌اند. به طور کلی مشارکت سیاسی کردها پس از انقلاب اسلامی تحت تأثیر دلایل و عوامل متعددی قرار داشته است. اما آنچه در این میان باید مورد توجه قرار گیرد نحوه نگرش مردم به نظام سیاسی است که تا حدود زیادی تعیین‌کننده میزان مشارکت سیاسی است. نحوه نگرش مردم را عوامل متعددی از جمله سیاست‌های قومی دولت‌ها، آگاهی از نقاط قوم و ضعف نظام سیاسی و میزان توجه و برآورده ساختن خواسته‌ها و مطالبات مردم تعیین می‌کند. در این زمینه، احزاب سیاسی، نخبگان و تشکلهای مردمی نقش بسزایی را ایفا می‌کنند. به ویژه زمانی که احزاب سیاسی، نخبگان و موسسات، انجمن‌ها و تشکلهای غیردولتی کانال‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی مانند رسانه‌های مکتوب (مطبوعات) و غیرمکتوب (شبکه‌های اجتماعی) در اختیار داشته باشند می‌توانند در جلب توجه مردم نقش مؤثری ایفا نمایند. احزاب کردستان ایران همواره در طول دوران انقلاب اسلامی برای مشارکت مردم کنشگری فعال داشته و توجه آنان را در تصمیم‌گیری‌ها به خود جلب نموده‌اند. احزاب سیاسی موافق مشارکت سیاسی در کردستان مانند حزب مساوات اسلامی مفتی‌زاده و جریان اصلاح‌طلبان کُرد نقش فعالی در ادوار مختلف انتخابات ریاست جمهوری داشته‌اند. احزاب سیاسی فعال ظرفیت خود را در دو بخش بسیج سیاسی و مشارکت سیاسی به کار گرفتند. آنها با استفاده از ارزش‌ها و نمادهای قومی در دوره‌های متوالی به بسیج سیاسی پرداختند. در تمامی این دوران‌ها، خواسته‌های قومی مانند زبان مادری، فرهنگ و آداب و رسوم محلی و به کارگیری امور اجرایی و اداری استان به دست افراد بومی منطقه تنها تکیه‌گاهی بوده است که در داخل و خارج از نظام با استفاده از آنها سعی در جلب توجه مردم کردستان داشته‌اند. جریان اصلاح‌طلبان کُرد علاوه بر بسیج سیاسی مردم بر مشارکت سیاسی آنان

نیز تأثیرگذار بوده‌اند. از سوی دیگر، احزاب اپوزیسیون کردی و رهبران آن، زمانی که نتوانستند در چارچوب قانونی به فعالیت بپردازند، مشارکت در آن را تحریم نمودند و از مردم نیز درخواست داشتند تا از آنان پیروی و تبعیت نکنند. ابزارها و شگردهای گوناگون جریان‌های مخالف، برای تغییر نگرش مردم نسبت به نظام جمهوری اسلامی ایران که عمده‌ترین عامل تأثیرگذار بر روند مشارکت سیاسی است شامل غیریت‌سازی، تأکید بر محرومیت نسبی و برانگیختن احساس تبعیض در مورد آنان از طرف نظام سیاسی می‌شود. اقدامات منفی آنها توسط انواع ابزارهای تبلیغاتی و رسانه‌ای مانند شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی و بهره‌برداری از نمادهای قومی تداوم و استمرار داشته است که در کنار سایر عوامل توانسته‌اند میزان مشارکت سیاسی کردها را تا حدودی کاهش دهند که در آمارهای مشارکت انتخاباتی در ادوار مختلف مشاهده می‌شود.

منابع

ایروانلو، علی، شاکری، احسان، ظهیری، محمد (۱۳۹۹) جهانی‌شدن و الزامات سیاست‌های قومی در جمهوری اسلامی ایران، مطالعات سیاسی، شماره ۴۷، دوره ۱۲.

پایگاه اطلاع‌رسانی استانداری کردستان (۱۳۹۴)، قابل دسترسی در: <https://ostan-kd.ir/>

توکلی، محمود (۱۳۸۲) مشارکت و امنیت در کردستان، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

www.meisami.com/@oldsite/cadi6/htm

جلالی زاده (۱۳۸۸) مصاحبه مریم انصاری با جلالی زاده، نماینده مردم کردستان در مجلس ششم، ۱۳۸۸/۱۰/۰۳،

قابل دسترسی در: <http://www.mediya.net/>

جلایی پور، حمیدرضا (۱۳۷۲) کردستان و علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

چمران، مصطفی (۱۳۶۰) کردستان، تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۷) تأثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۳.

حق‌پناه، جعفر (۱۳۹۴) سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران: چگونگی، فرایند و عوامل مؤثر بر تدوین، سیاست‌گذاری عمومی، شماره ۲، پیاپی ۲.

خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۳۸۸) استان کردستان در انتخابات ریاست جمهوری از منظر آمار، ۱۳۸۸/۰۳/۰۳، قابل

دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/7218865>

خرم‌شاد، محمدباقر، احمدی، حمید، عباسعلی، رهبر، مولودی، امیر (۱۴۰۲) شکاف‌های اجتماعی درون‌قومی و پیامدهای سیاسی آن در ایران: مطالعه موردی کردها، مطالعات ملی، سال ۲۴، تابستان، شماره ۲، پیاپی ۹۴.

خوبروی پاک، محمدرضا (۱۳۸۰) اقلیت‌ها، تهران، نشر و پژوهش شیرازه.

دریایی، پریسا، محمدی، سیدمحمد (۱۳۹۵) تأثیر نزاع‌های قومی بر سیاسی‌شدن اقوام در ایران، نخستین کنگره بین-المللی جامع علوم سیاسی ایران، تهران.

رضی، داود (۱۳۸۰) بررسی تطبیقی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت مردم در انتخابات شش دوره ریاست جمهوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران ۱۳۷۲-۱۳۵۸، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء(س) بهار و تابستان، شماره ۳۷ و ۳۸.

روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۰۴/۲۵

زندى، ابراهيم (۱۳۸۰) بحران قومى و وحدت مى: الگوى سياست قومى در جمهورى اسلامى ايران، فرهنگ اندیشه، سال اول، پاييز و زمستان، شماره ۳ و ۴.

ساروخانى، محمداقبر (۱۳۸۰) دایره المعارف علوم اجتماعى، تهران، نشر کیهان.

سليماني قره گل، هادی (۱۳۹۹) جامعه، دولت و ایده شکاف قومى در ايران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات. عبدالله نژاد، على، کریم پور، ريحان، اسماعيل پور، على اصغر (۱۳۹۹) بررسى و تحليل نقش شکاف هاى قومى در بحران هاى ژئوپليتيكى ايران در بعد از انقلاب در راستاى کارآمدى نظام در مناطق مرزى، مطالعات توسعه اجتماعى ايران، سال دوازدهم، شماره ۲.

قادرزاده، اميد، کرمى، ايوب (۱۳۹۹) مشكله هويت در سازمان هاى مردم نهاد: مطالعه كیفی فعالان مدنى، فصلنامه بررسى مسائل اجتماعى ايران، دوره پنجم، شماره دوم، پاييز و زمستان.

قمریان نصرآباد، ناهید (۱۴۰۰) توسعه قومى و امنيت پايدار: بررسى شاخص هاى توسعه قومى در اسناد بالادستى پس از انقلاب اسلامى در دو استان كردنشين كرمانشاه و كردستان و ارتباط آنها با امنيت پايدار، رساله دكتورى پژوهشكده امام خمينى(ره) و انقلاب اسلامى، بهمن ماه ۱۴۰۰.

کریمی مله، على، تبارسوته، محمدسلیمان (۱۳۹۸) جامعه شناسى سياسى رفتار انتخاباتى استان كردستان (دوره اول تا دوازدهم انتخابات رياست جمهورى)، جامعه شناسى مسائل اجتماعى ايران، سال هشتم، بهار، شماره ۱.

محمدزاده، حسين، خانى، سعيد (۱۳۹۷) زمينه هاى تاريخى و اجتماعى مؤثر بر شكاف قومى در ايران، مطالعات اجتماعى ايران، سال دوازدهم، پاييز، شماره ۳.

مصاحبه با خالد عزيزى، ۱۳۸۹/۰۱/۲۸، قابل دسترسى در:

<http://www.bbc.co.uk/persian/tv/2010/03/100301-142-hardtalk-azizi.shtml>

مولودى، عبدالعزيز (۱۳۸۸) مشاركت سياسى کردها در ايران، فصلنامه سياسى، اجتماعى و فرهنگى روزه، بهار، تابستان و پاييز، سال ۴، شماره ۱۱، ۱۲، ۱۳.

ويسى، هادى (۱۴۰۴). نظريه هاى خاستگاه حكومت و مسأله حكومت در ايران، جغرافيا و روابط انسانی، دوره ۸،

شماره ۳، صص ۱۷-۳۳. <https://doi.org/10.22034/gahr.2025.535223.2539>

Brown, David (2005) the state and ethnic politics in Southeast Asia, London, Taylor & Francis eLibrary.

Yildiz, Karim Tanyel, Taysi (2007) the kurds in iran-the past, present and future, first published by Pluto Press, archway road, London number 65 and 839.

Hicks, Neil (2005) the human rights of Kurds in the Islamic republic of Iran, use program coordinators for the Middle East and North Africa of the lawyers committee for human rights, Center Press.

Geoffrey, Gresh (2009) Iranian Kurds in age globalization, the fletcher school of law and diplomacy USA, Tufts University.